

سپهسالارها

میرزا محمد خان سپهسالار

-۳-

انتصاب میرزا محمدخان سپهسالار ظاهراً به قائم مقامی شاه و در معنی به مقام صدارت عظمی باعث شد که گروهی از درباریان برای او کارشکنی کنند و به منظور پیشرفت مقاصد خود از اکابر خلوتیان نیز استمداد نمایند. سلسله جنیان دستۀ مخالف میرزا یوسف مستوفی الممالک و میرزا سعیدخان وزیر خارجه بودند که شاه طبق دستخط مورخ ۲۵ شوال ۱۲۸۱ (۱) به این دو نفر هم در کارهای خود استقلال کامل داده بود. مخالفان میگفتند چرا باید کسیکه بی سواد و عامی بحت و بسیط است بالاترین مقام مملکت را احراز، و شاه رسیدگی به امور پراکده شخصاً عهده دار بود به او محول کند. در این میان میرزا یوسف مستوفی بیشتر از سایر رجال و درباریان رنج میکشید و صدارت سپهسالار او را زیاد از حد ناراحت و عصبانی کرده بود. یکی از نویسندهگان معاصر میگوید: «میرزا یوسف مستوفی الممالک قبل از میرزا محمدخان سپهسالار تقریباً شخص اول مملکت بود و غلیون او جلوتر به مجلس میآمد. بعد از انتصاب میرزا محمدخان به صدارت اتفاقاً روزی هر دو در یک مجلس بودند و همین که پیشخدمت غلیون جناب آقا را که بعد از غلیون سپهسالار وارد کرده بود جلوی او برد غلیون را به عنوان این که تفنن را ترک نموده است رد کرد و تا زنده بود جز در اندرون خانه خود غلیون نمی کشید تا خلاف عمل آن يك روز از او مشاهده نشود. ۲»

سپهسالار هم البته از فعالیت های بداندیشان غافل نبود و سرانجام ناچار شد دست دشمنان سرسخت و متنفد را از کار کوتاه و به این وسیله مقام و منزلت خود را حفظ کند. نفی و تبعید

۵ چاپ و انتشار این سلسله مقالات به علت بیماری نویسنده بتأخیر افتاد، و از خوانندگان نزدیک و دور از هر سوی زبان اعتراض و کله بنامه و پیام گشوده شد چندان که با اصرار مدیر مجله نویسنده محترم در بستر بیماری به نوشتن پرداخت.

تصور می رود - و تصوری بحقیقت است - که امروزه در ایران هیچ نویسنده ای چون حسین سعادت نوری در تاریخ عصر قاجاریه و احوال و انساب رجال آن دوره اطلاع و بصیرت کامل و تبحر تام ندارد و ما نهایت امتنان را داریم که چنین وجودی با برکت و منتظم بی هیچ مزد و منت فضایل و معلومات خود را به خوانینما می نهد و به اهل ادب و تاریخ بهره ها می بخشد. امتنان دیگر ما از خوانندگان با ذوق و با علاقه است که نوشته خوب و با ارزش را تشخیص می دهند و در واقع مشوق ما هستند. خداوند تعالی نگاهبان همه باد. مجله ینما

۱ - این دستخط در صفحات ۷۷ و ۷۸ شماره دوم سال نوزدهم مجله ینما درج

گردیده است. ۲ - شرح زندگانی من بقلم عبدالله مستوفی جلد اول چاپ دوم ص ۲۲۹

فریخ خان امین الدوله به کاشان و اخراج میرزا هاشم خان امین خلوت و پاشا خان امین الملک از دربار به همین منظور صورت گرفت. ۱۰ در سنه ۱۲۸۲ رسیدگی به امور پایتخت کشور و خالصجات دیوانی به سایر مشاغل سپهسالار ضمیمه شد و شاه دستخط زیر را به عنوان اوصاد نمود «نظم دارالخلافه طهران و توابع آن از عمل خالصجات دیوانی و غیره را از تاریخ ۲۳ محرم الحرام ۱۲۸۲ اودئیل و ما بعدها به سپهسالار اعظم محول و موکول فرمودیم و نیک و بد کل امور دارالخلافه را از ایشان می‌خواهیم». ۲ در همین اوقات از طرف سپهسالار آئین نامه‌ای برای تشکیلات قشون تهیه و تنظیم گردید و ضمناً شورائی به نام «مجلس تحقیق دیوان نظام» به ریاست بهرام میرزا معزالدوله انعقاد یافت ۳ از آن تاریخ به بعد موضوع ارتقاء و ترفیع صاحبان مناصب در این مجلس پیشنهاد و مطرح میگردد و اعضای شورا به سوابق امر رسیدگی کامل بعمل می‌آوردند و در صورتی به پیشنهادات واصله رای موافق داده می‌شد که اشخاص مورد نظر در دوران خدمت ابراز لیاقت کرده و استحقاق ترفیع داشته باشند. بهرام میرزا معزالدوله به رموز و فنون قشون و وسایل نظامی بصیرت و آشنائی کامل داشت و چندسال پیش ظاهراً به تشویق میرزا تقی خان امیر کبیر، کتابی به نام «نظام ناصری» تألیف و منتشر نموده بود و سپهسالار بهمین جهت و با توجه باین سابقه او را به ریاست شورا انتخاب کرد. محمدخان اعتماد السلطنه در ذیل وقایع ۱۲۶۷ مینویسد: «کتاب نظام ناصری در علم نظام از مؤلفات نواب والا بهرام میرزا معزالدوله که در این علم فرد و ماهر میباشند تمام و چهارصد جلد از آن در دارالخلافه طبع شده منتشر و موجب بصیرت اهل نظام گردید. ۴»

سپهسالار به اجرای مقررات و آئین نامه سابق الذکر و مصوبات «مجلس تحقیق دیوان نظام» بی اندازه مقید بود و به حدی در این زمینه شدت عمل به خرج میداد که برای احدی حتی فرزندان شاه نیز استثنا قائل نمی‌گردید. البته این گرفته گیرها به مذاق شاهزادگان و افراد خاندان سلطنتی خوش آیند نمی‌آمد ولی ناصرالدین شاه تا موقعی که تحت تأثیر انتقادات بدخواهان صدر اعظم قرار نگرفته بود از او پشتیبانی مینمود. شاهد این مدعا آنکه در موقع اعطای درجه سرتیپی به کامران میرزا نایب السلطنه حکم و فرمان نظامی آن به امضای سپهسالار صادر و به شاهزاده ابلاغ شد تا موضوع چیدن سردوشی و درجه ظل السلطان که بدون تصویب مجلس نظام و قبل از موافقت سپهسالار داده شده بود تکرار نشود. «اعتماد السلطنه مینویسد: و چون حضرت اجل افخم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه از فنون نظامی مرتبت و استدرآکی بکمال حاصل نموده اند به امضای جناب میرزا محمدخان سپهسالار اعظم به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی اول و حمایل مخصوص آن درجه مرتبه اختصاص یافتند. ۵»

سعایت و تضریب مخالفان سپهسالار سرانجام به نتیجه رسید و ناصرالدین شاه در اثر دمدمه و افسون درباریان مغرض و سخن چین کارهای مملکت را در ۱۲۸۳ بین چند وزارت

- ۱- برای اطلاع از تفصیل این جریان رجوع کنید به سلسله مقالات نویسنده این سطور تحت عنوان «فرخ خان امین الدوله» مندرج در مجله وحید سال سوم. ۲ - مراتب البلدان جلد سوم ص ۴۳ ۳- منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۹۳ و مراتب البلدان جلد سوم ص ۴۵
- ۴ - مراتب البلدان جلد دوم ص ۶۷ ۵- ص ۶۴۲ سال ۱۸ مجله ینما.
- ۶- مراتب البلدان جلد سوم ص ۴۷

خانه جدیداً تأسیس تقسیم کرد و به این ترتیب اختیارات سپهسالار محدود گشت. فرخ‌خان امین‌الدوله به فرمان شاه ازکاشان احضار و در تشکیلات جدید به وزارت حضور منصوب و عهده‌دار امور اصفهان و فارس و نطنز و کاشان و گمرک خانه‌های ولایات گردید، پاشاخان امین‌الملک و میرزا هاشم‌خان امین‌خلوت هم که مدتی ازکار برکنار بودند مجدداً به خدمت اشتغال جستند و اولی مهرداد سلطنتی شد و علاوه بر این مأموریت یافت که امور حکومتیهای بروجرد و خمسه را تحت نظر گرفته رسیدگی نماید. دومی نیز به همان شغل سابق یعنی به ریش‌سفیدی خلوت و ریاست تفنگداران سرکاری انتخاب شد. ۱ در تشکیلات جدید، وزارت جنگ و ریاست کل قشون و رسیدگی به امور ایالات خراسان و سیستان و شهرهای استرآباد و شاهرود و بسطام و دماوند و فیروزکوه و کمره و جاجرم و نریدین و خوار و سمنان و دامغان با سپهسالار بود. ۲.

این وضع دیری نپائید و کسبیکه تا چندی پیش کارش در علو شأن و نفاذ فرمان به اعلی درجه امکان رسیده بود ناگاه ستاره اقبالش رو به افول نهاد و عزیزخان سردار کل به جای او به وزارت جنگ و ریاست قشون منصوب شد. چند روز بعد میرزا محمدخان سپهسالار اعظم به سمت والی خراسان و سیستان و حکمران خوار و سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام و استرآباد به مشهد مقدس رفت. در این تاریخ سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله برادر اعیانی مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه در مشهد مقدس بود و سپهسالار در معنی به‌جا نشینی طهماسب میرزا مؤیدالدوله به وزارت و پیشکاری او تعیین گردید ولی البته شاهزاده جوان که که در آن تاریخ پانزده سال بیشتر از سنین عمرش نمیگذشت در کارها دخالتی نمیکرد و سپهسالار مستقلاً امور مربوطه را رتق و فتق می نمود. میگویند: «سپهسالار از بین راه به میرزا محمد رضا مستوفی دیوان و رئیس دفتر خراسان ۳ کتباً دستور داد يك نفر منشی قابل که به کارهای استیفای خراسان وارد باشد نزد او بفرستد. حاج میرزا محمد رضا این مأموریت را به حاج میرزا علی‌رضا داد و او بیدرنگ از مشهد حرکت کرد و در منزلان به والی جدید رسید. سپهسالار پس از تحقیق امور مالیاتی و منال دیوانی خراسان به میرزا علی‌رضا گفت «فردی بنویس ببینم». میرزا علی‌رضا مشغول قلم تراشیدن شد و برای اینکه قلم و بالنتیجه فرد را خوب ازکار دریاورد مدتی به قلم ور رفت. سپهسالار که دید تراشیدن قلم زیادتر از حد معمول بطول انجامید از کوره در رفت و گفت این میرزا بنویسها هم مثل عمله طرب و نوازندگان تار و کمانچه میباشند که وقتی به آنها گفته میشود يك پنجه تار بزنند تا مدتی ساز را کوک و بقدری معطل میکنند که شنونده از هرچه ساز و آواز است بیزار میشود. میرزا

۱- ایضا صفحات ۵۹ و ۶۰ ۲- منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۹۹

۳- حاج میرزا محمد رضا مستوفی در ۱۲۸۴ به مستشارالملك ملقب گردید و بالاستقلال به پیشکاری و وزارت خراسان رسید و چندی بعد مؤتمن السلطنه لقب گرفت و به حکومت کاشان رفت و ازوزرای دربار شد. در ۱۳۰۱ هـ. ق که عبدالوهاب خان آصف‌الدوله شیرازی (بدر) والی خراسان بود لقب مستشارالملك به میرزا شفیع خان پیشکار او داده شد. (منتخب‌التواریخ مظفری ص ۴۲۱) میرزا شفیع‌خان پسر میرزا حسن پسر میرزا اسمعیل مستوفی گرگانی است. (شرح زندگانی من نوشته عبدالله مستوفی جلد اول چاپ دوم ص ۵۵)

علی‌رضا از اظهارات سپهسالار ناراحت شد و سپهسالار هم که تغییر حالت او را احساس کرد به دل‌جوئی و استمالت او پرداخت و يك طاقه شال کشمیری به او خلعت داد. ۱۰.

اسدالله فاضل مازندرانی مورخ بهائی راجع به میرزا علیرضا چنین مینویسد: « از اعظم مؤمنین مشهد میرزا علیرضای سبزواری‌الاصل است که در سنین اولیه ظهور بوسیله باب‌الباب (ملاحسین بشرویه) فوز به ایمان یافت و در اواخر برادر خود میرزا محمدرضا را به خانه ملاصادق مقدس برد و او را در زمره مؤمنین وارد کرد. ۲۰ نویسنده این سطور اظهارات فاضل مازندرانی را تضمین نمیکند.

ناصرالدین‌شاه روز یکشنبه ۱۵ ذی‌حجه ۱۲۸۳ با جمعی از رجال و درباریان به قصد عتبه بوسی حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء از طهران به مشهد مقدس روانه شد و چندتن از مخالفان سرسخت سپهسالار هم از قبیل فرخ‌خان امین‌الدوله غفاری وزیر دربار و پاشا خان امین‌الملک و کیل کارهای خراسان و میرزا هاشم‌خان امین‌خلوت رئیس تفنگداران خاصه جزو ملتزمین رکاب بودند. ۳. میرزا محمد خان سپهسالار به اتفاق چند تن از معاریف خراسان و عده‌ای سوار مسلح به استقبال شاه شتافت و حوالی خسروگرد از توابع سبزواریه موكب همایونی رسید. شاه از قلم و انضباط افراد قشون که همراه سپهسالار به استقبال رفته بودند اظهار رضایت کرد و همین مسئله رشک و حسادت دشمنان او را برانگیخت. سپهسالار با حیدرقلی خان سهام‌الدوله بجنوردی صفائی نداشت و او را با سایر سرداران خراسان به استقبال شاه برد. حیدرقلی خان هم که کینه او را به دل گرفته بود محرمانه با شاه ملاقات کرد و نسبتهای ناروایی به‌والی خراسان داد و ذهن شاه را مشوب ساخت. ۴. میرزا علی‌نقی حکیم‌الممالک ۴

۱ - صدرالتواریخ نسخه خطی کتاب خانه دانشکده ادبیات دانشگاه طهران.

- ۲ - ظهور الحق ص ۱۷۴ ۳ - سفرنامه ناصرالدین‌شاه به خراسان صفحات ۱۳ و ۱۵
 ۳ - نام سهام‌الدوله بجنوردی در ص ۳۰۴ جلد سوم تاریخ منتظم ناصری در يك مورد جعفرقلی خان و در جای دیگر حیدرقلی خان نوشته شده و در ص ۳۷۵ جلد دوم مطلع الشمس نیز جعفرقلی خان ضبط گردیده است که البته اشتباه کاتب میباشد و سهام‌الدوله بجنوردی به استناد سایر مدارک و تواریخ دوره ناصری حیدرقلی خان نام داشته است. سهام‌الدوله بسال ۱۲۸۶ هنگامیکه حشمت‌الدوله والی خراسان بود بدستیاری حاج محمد رضا مستوفی که با او وصلت و خویشی داشت وسایل طرد اللهیارخان در گزی را نیز فراهم نمود (رساله مجدییه ص ۲۱). بطن قریب به یقین حاج محمد رضا مستوفی هم بواسطه خویشاوندی با سهام‌الدوله به تبعیت از سپهسالار بسد گوئی و ناصرالدین شاه را نسبت به والی خراسان خشمگین ساخته است. ۴ - حکیم‌الممالک پسر حاج آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام ازمحصلین دوره اول دارالفنون است که مقدمات طب را در طهران فرا گرفت و بسال ۱۲۷۲ هـ. ق همراه فرخ‌خان غفاری سفیر ایران به پاریس رفت. میرزا علی‌نقی که بسمت نایب دوم عضو هیئت سفارت کبرا بود در پاریس به تکمیل تحصیلات پزشکی پرداخت و در ۱۲۸۸ به طهران مراجعت نمود.

نویسنده سفرنامه خراسان میگوید: «سپهسالار اعظم حکمران مملکت خراسان و امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو و الله یارخان حاکم درگز و یوسف خان هزاره با سرکردگان و سواره خراسانی و ترکمانان ساروق و تکه و غیره که زیاده از سه هزار بودند موکب فیروزی کوکب را استقبال کرده از زیارت رکاب نصرت انتساب مستعد و مباحی گشتند. سپهسالار اعظم به توجهات خاطر خطیر ملوکانه مستظهر و بفرمایشات و عواطف شاهنشاهانه مفتخر گردیده و حسب الامر سوار شده در کنار کالسکه مخاطب بفرمایشات علیه بود. ۱»

در کتاب صدرالتواریخ راجع به استقبال سپهسالار از ناصرالدین شاه و سعایت حیدرقلی خان سهام الدوله چنین نوشته شده است:

«روز ۲۷ محرم ۱۲۸۴ که ناصرالدین شاه وارد سبزوار شد. سپهسالار با امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو (شجاع الدوله) و اللهیارخان حاکم درگز و یوسف خان هزاره و سرداران خراسان و ترکمانان ساروق و تکه و غیره که زیاده از سه هزار سوار مسلح بودند با شکوه تمام به استقبال رفت و کبکبه و دبدبه او باعث حسادت دشمنانش شد. عده سپاهیان خراسان هم که با استقبال رفته بودند متجاوز از هشت هزار نفر بود. سپهسالار از همراهان شاه پذیرائی شایانی نکرد. میگویند چند روز بعد به شاه پیغام داد و یا حضوراً به عرض رسانید که مرا از صدارت معزول کردید و به خراسان قانع ساختید اینک به سعایت بدخواهان که من مداخل زیاد دارم گوش ندهید. اظهارات سپهسالار شاه را بیشتر رنجیده خاطر ساخت.

حیدرقلی خان سهام الدوله بجنوردی هم که با امرای خراسان مخالف بود محرمانه بمرض شاه رسانید که سپهسالار با سرکردگان محل زد و بند کرده و در خیال طغیان است. ۲»

روز شانزدهم صفر ۱۲۸۴ ناصرالدین شاه به باغ اللهیارخان آصف الدوله منزل سپهسالار رفت و چون او فی الجمله اظهار افسردگی و دل تنگی و ملال نمود شاه میرزا محمد حسین دبیرالملك را مأمور کرد که وی را از مراسم خسروانه اطمینان دهد و در ضمن اظهار کند که هر گاه میل به فرمانروائی خراسان ندارد در رکاب مبارک بدار الخلافه رفته به خدمت دیگری سرافرازی حاصل نماید و الا با کمال دل گرمی به انجام خدمات محوله مشغول باشد و بدون اظهار دل تنگی به لوازم امور حکمرانی و سرحد داری بپردازد. ۳ بامدادان روز بعد یعنی صبح هفدهم صفر ۱۲۸۴ هنگامی که ناصرالدین شاه هنوز در بستر استراحت غنوده بود میرزا محمد غلام بیچه معروف به ملیچک ۴ به حضور مبارک تشریف جسته و عریضه سر بسته ای

در ۱۲۸۳ با ناصرالدین شاه به مشهد مقدس مشرف و در حین مسافرت به حکیم الممالک ملقب گردید. حکیم الممالک چون مدتی حاکم بروجرد و کمره و عراق بود او را والی خطاب میکردند. وی پدر اسمعیل فرزانه (دبیر الممالک) از اعضای وزارت خارجه متوفی ۱۳۲۵ شمسی و سر لشکر حسین فرزانه متوفی اسفند ۱۳۴۱ میباشد.

۱ - سفرنامه خراسان ص ۱۲۴ ۲ - صدرالتواریخ نسخه خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. ۳ - سفرنامه خراسان ص ۲۲۰ ۴ - میرزا محمد معروف به ملیچک اول که بعدها امین خاقان لقب گرفت برادرزیده خانم امینه اقدس کرد از زنهای سوگلی ناصرالدین شاه و پدر غلام علی خان عزیزالسلطان (ملیچک دوم) است احمد شاه در زمان سلطنت به غلام علی خان لقب سردار محترم داد شرح حال مفصل عزیزالسلطان به قلم راقم این سطور در روزنامه «اصفهان» به چاپ رسیده است.

از دبیرالملك به قطرانور رسانید . شاه عریضه را که گشودند ابتدای آن همه راجع به بی وفائی دنیای دون و چند سطر آخر حاکی از این بود که سپهسالار هنگام نماز صبح با آنکه هیچ آثار ناخوشی و بیماری در او مشاهده نمیگردید . بقتله به مرض سکنه مبتلا گردیده و به رحمت ایزدی پیوسته است . اعلیحضرت بی نهایت از این خبر دل تنگ و افسرده شده بی اختیار فرمودند انا لله و انا الیه راجعون

و پس نظر به پاس حرمت شأن و مرتبت آن مرحوم مقرر فرمودند که جمیع وزراء و اعیان که در رکاب مبارک آمده بودند با خوانین و اعظام خراسان به تشییع جنازه حاضر شده و با احترام تمام جنازه او را به مقبره ای که خود آن مرحوم در صحن مقدس معین نموده حمل نمایند و در ضمن انعقاد مجلس فاتحه اطعام مساکین کنند . ۱۷

مرگ ناگهانی میرزا محمدخان سپهسالار را بعضی طبیعی نمیدانند و معتقدند که او را به حکم ناصرالدین شاه مسموم کرده اند ولی این مطلب از حدود شایعه تجاوز نکرده و حقیقت امر تا کنون کشف نگردیده است . تردیدی نباید داشت که ناصرالدین شاه در اواخر از میرزا محمدخان سپهسالار ناراضی بود و شرح زیر که از سفرنامه خراسان نقل میشود مؤید این مدعا میباشد . حکیم الممالک میگوید : تا مقارن غروب با حضور مبارک بودیم و عمده فرمایشات ملوکانه راجع به طرز رفتار و سبک و سلوک مرحوم سپهسالار بود و حضرت شاهنشاه از فوت آن مرحوم اظهار تأسف میفرمودند . بدیهی است که نوکر صدیق خدمتگزار و چاکر تربیت شده حقیقت شعار دیر از خاطر و لینعمت خود محو شود خاصه چنین ولینعمتی مهربان و شاهنشاهی قدردان که در مقابل اندک خدمتی هزار گونه نعمت دهد و پاس صداقت و حقیقت را برشان و منزلت افزایش دهد . چنانکه مرحوم سپهسالار با این که مطابق منظور و مقصود همایون از عهده کفایت و کفالت وزارت عظمی بر نمی آمد چون سالها خدمت کرده و از رجوع خدمت کشیک چی باشی گری و سرداری و وزارت جنگ صداقت و درایت خویش را مشهود خاطر خطیر خسروانی نموده بود پس از خلع از صدارت عظمی به ایالت و حکومت تمام مملکت شرقی مفتخر و سرافراز آمد و همه وقت با شأن و احترام بزیست تا جهان فانی را بدرود کرد . ۲

انفصال یوسفخان هزاره و پسرش که از تحت الحما به های سپهسالار بودند به اتهام این که در اسفراین مصدر بی حسابی و بی نظمی شده و در انتظام امور و رساندن مواجب و مرسوم سواران نظام بی مبالاتی کرده اند ، ۳ و همچنین طغیان سر بازان زرنندی مأمور کلات و تحصن آنان در صحن مطهر حضرت رضا و استنکاف از اجرای احکام صادره ۴ و رفتن ناصرالدین شاه

۱ - سفرنامه خراسان ص ۲۲۲ ۲ - ایضا ص ۲۲۵ چند نفر از نویسندگان معاصر وقایع مربوط به مرگ ناگهانی میرزا محمدخان سپهسالار را در ۱۷ صفر ۱۲۸۴ و در گذشت بی مقدمه حاج میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله پسر میرزانی خان قزوینی) را در ۲۱ دی حجه ۱۲۹۸ که هر دو در مشهد مقدس اتفاق افتاده است بایکدیگر خلط و اظهار عقیده کرده اند که ناصرالدین شاه در سفرهای خراسان به این دو نفر قهوه قحری داده است در صورتی که شاه قاجار در موقع فوت حاج میرزا حسین خان در طهران بود و دفعه دوم روز پنجم شعبان ۱۳۰۰ از طهران روانه مشهد مقدس شد . ۳ - سفرنامه خراسان ص ۲۴۴ و مرآت البلدان جلد سوم ص ۸۱ ۴ - سفرنامه خراسان صفحات ۲۶۵ و ۲۶۶

منحصراً به خانۀ حیدرقلی خان سهام الدوله که از دشمنان سرسخت سپهسالار بود و ابراز رضایت از آداب دانی او و اعطای گل کمر مکمل به الماس به خان بابا خان پسر دوازده ساله سردار بجنوردی^۱ از جمله قراین و اماراتی است که شایعۀ مرگ غیر طبیعی سپه سالار را قوت میدهد .

روز ۱۹ صفر ۱۲۸۴ سلطان حسین میرزا جلال الدوله پسر ناصرالدین شاه حسب الامر پدر در مجلس فاتحۀ سپه سالار شرکت نمود و دستور ختم داد . سپس اقارب و بستگان سپهسالار که در مشهد مقدس بودند مانند حاج شریف خان بیگلر بیگی و سلطان احمد میرزا عضدالدوله و سلطان محمد میرزا پسر عضدالدوله و مصطفی خان امیر تومان به حضور شاه بار یافتند و ناصرالدین شاه از بازماندگان تفقد و دل جوئی کرد . دو روز بعد مرتضی خان قوللر آقاسی (یعنی رئیس غلامان خاصه) برادر سپهسالار نیز که از طهران رسیده بود به حضور شاه شرفیاب و مورد مرحمت واقع شد .^۲

* * *

حاج شریف خان بیگلر بیگی سرتیپ در ۱۲۷۸ که میرزا محمدخان سپهسالار وزیر جنگ بود مستشار لشکر لقب گرفت و در ۱۲۸۶ هنگام حکمرانی تربت حیدریه و ترشیز (کاشمر) به پیشنهاد حمزه میرزا حشمت الدوله والی خراسان به مستشار الدوله ملقب شد . در ۱۲۹۱ که حاج میرزا حسین خان سپه سالار عهده دار وزارت جنگ بود شریف خان مستشار الدوله به سمت عضو ارشد در اداره محاکمات قشون به خدمت اشتغال جست^۳ و محمد حسین خان پسرش مقارن فوت میرزا محمدخان سپه سالار بسمت نایب الحکومه شاهرود و بسطام انتخاب گردید^۴ . حاج شریف خان از بنی اعمام میرزا محمدخان سپهسالار و محمد رحیم خان علاء الدوله و محمد ناصر خان ظهیر الدوله است و اولاد این سه خانواده از بنابر قره خان قاجار دولو و از اعقاب همان خان قجری میباشند که در زمان نادر شاه به حکم رضاقلی میرزا مأمور کشتن شاه عباس سوم پادشاه صغیر مصنوعی نادر شاه شد و به همین جهت در میان عوام معروف است که خنجر شمر در خانۀ این خانواده است .^۵ حاج شریف خان همان کسی است که میرزا محمد خان مجد الملک راجع به او چنین میگوید : « یا درماندگی دولت شدت کند ، هل من ناصر گوید (اشاره به نام محمد ناصر خان ظهیر الدوله) ، و به شخص دولوی مستظهر شود که از نواده های ساربان معروف است . علی الففله تجهیز سلاح کند ، به قبض ارواح پردازد و آن خنجر خون آلوده را که در خانه دارند در دست گرفته روی خود را به شهر تربت کند و به آواز نحیف به شخص شریف (در حاشیه نوشته حاج شریف خان پسر عم حاج ظهیر الدوله يك چشم داشت و مستشار الدوله لقبش بود) که بنی عم اوست از این قتل عام چشم روشنی دهد و این الفاظ عربی العبارة را به لحن حجاز قرائت نماید ، یا مستشار الدوله و منشار الملة ، یا حاکم الثربة و حاوی المرتبة ، انت مستراح فی الثربة والترشیز و اباح کل الشورتیز ، قد قامت الملة فی طلب ثاره و احتاج الدولة الی مستشاره عليك به تمهید الایاب لتفسیل الدواب .^۶

۱ - ایضاً ص ۳۵۶ ۲ - ایضاً صفحات ۲۲۸ و ۲۳۳ ۳ - منتظم ناصری
جلد سوم صفحات ۲۷۸ و ۳۱۱ و صفحه ششم ملحقات جلد اول مرآت البلدان ۴ -
منتظم ناصری جلد سوم ص ۳۰۷ ۵ - شرح زندگانی من جلد اول صفحات ۱۳۳ و ۱۳۴
۶ - رسالۀ مجدیه ص ۵۹

احمد میرزا عضالدوله پسر فتحعلی شاه خواهر میرزا محمد خان سپهسالار را به زوجیت داشت ۱ و شمس الدوله دختر عضالدوله و بعبارت دیگر خواهر زاده سپهسالار یکی از معقوده های ناصرالدین شاه بود که از او فرزندی نیافرید ۲ سلطان محمد میرزا پسر عضالدوله و برادر آقا وجیه سپهسالار و عبدالمجید میرزا عین الدوله در ۱۲۹۹ سیف الدوله لقب گرفت ۳ و او را با عمومی هم نام وهم لقبش اشتباه نباید کرد . سیف الدوله اول سلطان محمد میرزا پسر خاقان و برادر اعیانی احمد میرزا عضالدوله و فرخ سیرمیرزا نیرالدوله از بطن طاوس خانم تاج الدوله اصفهانی است . این سیف الدوله در اواخر سلطنت فتحعلی شاه حاکم اصفهان بود و هنگام محاصره هرات به معیت محمد شاه در جنگ های آن حدود شرکت داشت . وی در ۱۲۸۸ یعنی در بیست و پنجمین سال سلطنت ناصرالدین شاه به تولیت آستان قدس رضوی مفتخر گردید . سیف الدوله طبع شعر داشت و تخلص او « سلطان » بود و همان کسی است که حاج محمد اسمعیل طهرانی اولین ناشر دیوان ابوالحسن یغمای جندقی چند غزل او را سهواً جزو اشعار یغما به چاپ رسانیده است .

سیف الدوله دوم پسر عضالدوله بانی باغ مصفا و دل گشایی است موسوم به « پارک ملایر » که در دامنه کوهی بنام « کوه گرم » احداث گردیده و فعلاً به صورت یک گردشگاه عمومی درآمد است . بیمارستان سیفیه ملایر و اولین مدرسه ای که به سبک جدید در این شهر دایر شده از باقیات صالحات سیف الدوله دوم است که در ۱۳۳۹ ه . ق به جوار رحمت الهی پیوست . در تواریخ دوره قاجاریه از سیف الدوله دیگری هم گفتگو به میان می آید که مراد سیف الدوله میرزا برادر پشت و کالبدی سیف الملوکه میرزا پسر علی شاه ظل السلطان پسر خاقان است .

مصطفی خان امیر تومان و مرتضی خان قوللر آقاسی هم که جزو بازماندگان میرزا محمد خان سپهسالار به حضور ناصرالدین شاه بار یافته اند برادران او میباشند ۴ مرتضی خان قاجار در ۱۲۹۱ شهاب الدوله لقب گرفت ۵ و در همان سال هر دو برادر به عضویت شورای عالی نظام یا به اصطلاح متداول آن دوره « مجلس شورای عسکریه اعظم » انتخاب شدند ۶ .

* * *

میرزا علی خان امین الدوله که در سفر خراسان از همراهان ناصرالدین شاه و منشی حضور او بوده ۷ و پدرش میرزا محمدخان سینکی در همین مسافرت به مجدالملک ملقب و به تولیت آستان قدس رضوی مباحی گردیده ۸ مدعی است که ناصرالدین شاه پس از درگذشت سپهسالار ماترک او را تملک کرد . ذیلاً به نقل عین عباراتی که او در این زمینه نوشته است میباید که به الجمله شاه به خراسان رفت و میرزا محمد خان سپهسالار که پس از ریاست کل به

-
- ۱ - تاریخ عضدی چاپ کوهی ص ۲۸ و وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه ص ۲۹
 - ۲ - زندگی ناصرالدین شاه بقلم جناب آقای دوستعلی خان معیرالممالک . ۳ - وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه ص ۱۰۴
 - ۴ - روضة الصفاى ناصرى جلد دهم چاپ خیام ص ۲۱۰
 - ۵ - منتظم ناصرى جلد سوم ص ۳۳۵
 - ۶ - صفحه (۶) ملحقات جلد اول مرآت البلدان .
 - ۷ - مرآت البلدان جلد سوم ص ۷۰
 - ۸ - سفرنامه خراسان ص ۲۲۳

حکمرانی قسمت شرقی ایران مأموریت یافته بود چند روز بعد از ورود موکب همایون به مشهد مقدس فجأةً بدرود زندگی کرد و در این واقعه شاه رسماً وراثت خود را در مال و مخلف نوکرها اظهار فرمود آنچه میرزا محمدخان درمدت زندگی خود به خست و حرص اندوخته بود به مداخله مأمورین سلطنتی برانداخته شد. ۱

میرزا علی نقی حکیم الممالک نویسنده سفرنامه ناصرالدین شاه که مسلماً مندرجات کتابش قبل از چاپ به نظر شاه رسیده و مطالب آن جرح و تعدیل گردیده کوشش کرده است خلاف این مدعا را ثابت کند. ولی هرگاه سفرنامه مزبور با توجه دقیق مورد مطالعه قرار بگیرد صدق گفتار امین الدوله به اثبات خواهد رسید. حکیم الممالک میگوید: «امین الملك (یعنی پاشاخان) را مقرر داشتند که درحفظ اموال و ائصال مرحوم سپهسالار کمال اهتمام و جد و جهد را مرعی دارد که به هیچ وجه تفریط نشود تا بعد از مراجعت همایون به مقر سلطنت عظمی در میان اولاد و احفاد او موافق شرع انور تقسیم شود.» ۲

«از کنار باغ خونی که یکی از باغات معروف مشهد است عبور فرموده به باغ خلیج که در سمت جنوبی شهر واقع است تشریف فرما شدند و در باغ مزبور امیرزاده محمدحسین میرزا و حاج محمدقلی بیگ ۳ و ابراهیم خان نایب اصطبل خاصه همایونی اسبان عربی و ترکمانی مرحوم سپهسالار را که درحیات خود از برای پیشکش حضور همایون مهیا نموده بود از حضور مبارک گذرانده به اصطبل خاصه بردند.» ۴

«مبلغ ده هزار تومان وجه نقد و یک بقیچه شال کشمیری که مرحوم سپهسالار در امام آباد دامغان بدست شخص امینی سپرده بود شخص مزبور چون از وفات آن مرحوم اطلاع یافته نقد و شال مزبور را بتوسط امین الملك (پاشاخان) به حضور باهرالنور همایون تقدیم نمود. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام آنها را به امین الملك سپردند که چون موکب مسعود به دارالخلافه شرف ورود ارزانی دارد تمام پول و شال را به وراثت و کسان ایشان تقسیم نمایند. و هم بیست رأس اسبان تازی از اسبان مرحوم مزبور که در دامغان گذاشته بود به حضور آوردند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تماماً را با جلوداری به دارالخلافه

۱ - خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله ص ۲۷ - ۲ - سفرنامه خراسان

خراسان ۲۲۶ - ۳ - محمدحسین میرزا میر آخور رئیس اصطبل ناصرالدین شاه و پسر محسن میرزا پسر عبدالله میرزا دارا پسر خاقان است. محمدحسین میرزا در ۱۳۱۴ از طرف مظفرالدین شاه زین السلطنه لقب گرفت (منتخب التواریخ ص ۴۸۰) و وی پدر عبدالله میرزا دارائی ملقب به سردارحشمت میباشد. حاج محمدقلی بیگ پسر حاج نایب ترکمان است که از غلامان خاص و مورد اطمینان محمد شاه بود. حاج محمدقلی بیگ درشناختن اسبهای نژاده و اصل تخصص داشت و همان کسی است که اواخر ۱۲۹۸ ناصرالدین شاه او را ظاهراً به عنوان خرید اسب و باطناً برای تفتیش عملیات حسین قلی خان ایلخانی به بختیاری فرستاد. حاج عبدالغفار نجم الملك نیز در همان تاریخ مأموریت یافت که از سد اهواز بازدید و محرمانه پیرامون نقشه و اقدامات ایلخانی و تعداد اطرافیان و اتباع مسلح او تحقیقات لازم بعمل آورد (سرگذشت مسعودی ص ۲۴۲ و سفرنامه خوزستان نجم الملك). ۴ - سفرنامه خراسان

باهره نزد میرزا مهدی خان کشیک چی باشی که پسر ارشد مرحوم معظم‌الیه بود فرستاده مقرر داشتند که از روی قانون شرع مطاع با سایر املاک و اوضاع درمیان خود و سایر وراثت تقسیم نمایند . ۱۰

میرزا مهدی خان و محمد حسین خان پسرهای میرزا محمد خان سپهسالار که بعد ها به ترتیب اعتضادالدوله و اعتضاد الملک لقب گرفتند هر دو داماد ناصرالدین شاه بودند و در فواصل مختلف در شهرهای درجه دوم از قبیل سمنان و دامغان و قم و ساوه و عراق و کاشان حکومت کرده اند . مهدی خان اعتضادالدوله را با انوشیروان خان اعتضادالدوله شوهر سوم عزت الدوله خواهر اعیانی ناصرالدین شاه که چندی حاکم استرآباد و گرگان بود اشتباه نباید کرد . پسر میرزا مهدی خان که به اعتبار مادرش او را محمد میرزا میخواندند در ۱۳۰۴ به جلال السلطنه ملقب شد ۲ و مدتی هم حاکم شاهرود و بسطام بود . ۳

آثار خیریه سپهسالار بشرح زیر است :

- تعمیر و مرمت توحیدخانه مبارکه رضوی ۴ .
- مدرسه ای در داخل شهر طهران عتیق سمت شرقی مدرسۀ مفضربه که ۵ در محله حیاط شاهی بنا گردیده ۶ .
- تعمیر عمارات و ابنیه چشمه علی دامغان و اراک شهر سبزوار ۷ .
- احداث راه نیشابور به مشهد ۸ .
- ساختن راه اراپه رو طرق و دیز آباد به مشهد ۹ .
- تسطیح راه شریف آباد برای عبور کالسکه و درشکه و بنای طاق نماعی «بالاخیابان»

مشهد که قرار بود تا دم دروازه شهر امتداد پیدا کند و متأسفانه اجل مهلتش نداد و نصب یک پارچه سنگ مسطح عمودی در راه شریف آباد بر سر تپه سلام در دو موضع و تفر زیارت نامه حضرت رضا و نام میرزا محمد خان سپهسالار بانی آن روی سنگها که بعد از درگذشت ناگهانی او دشمنانش اسم وی را با چکش محو کرده اند و هم اکنون اثرش باقی است ۱۰ .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در عالم خلسه صحنه محاکمه ای برای میرزا محمد خان سپهسالار ترتیب داده و او در جواب استنطاق به اردشیر بابکان چنین گفته است ۱۱ .

« عاقبت دوست محمد خان معیر الممالک کار مرا ساخت خدا بیامرز شاید غریبی بود . مرا فریفت و سندی از من بدست آورد و به نظر اقدس رسانید . پاشا خان امین الملک هم از من کناره کرد و با من دوست نبود که زشت را زیبا کند این بود که از صدارت معزول شدم . اما باز محترماً والی خراسانم کردند یعنی از گردنه دولاب تا سنگ بست هرات را تحت حکومت من قرار دادند . والی ولایات خراسان بودم که شاهنشاه عزیمت آن مملکت فرمودند

- ۱- ایضاً صفحات ۳۷۷ و ۳۷۸ ۲- منتخب التواریخ ص ۴۲۳ ۳- المآثر
والاآثار ص ۳۶ ۴- مطلع الشمس جلد دوم ص ۲۳۸ ۵- المآثر والاآثار ص ۸۴
۶- طرایق الحقایق ۳ : ۱۹۴ ۷- مرآت البلدان جلد سوم ص ۷۲ و المآثر والاآثار
ص ۷۱ ۸- المآثر والاآثار ص ۷۲ ۹- سفرنامه خراسان ص ۱۶۰
۱۰- صدر التواریخ . ۱۱- اظهارات قبلی سپهسالار در صفحات ۸۰ و ۸۱ سال ۱۹۱۶ .
چاپ شده است .

تشریفاتى که من در آن سفر برای موکب همایون فراهم آوردم مشهور است و هنوز خواص و عوام از آن سخن میگویند ، بعد از ورود به مشهد مقدس امیدوار بودم که بازمنصب صدارت مرا باشد ، اما اعلیحضرت همایونی تقریراتی فرمودند که دانستم درختی را که من شلیل تشخیص داده ام بید است و بر ندارد ، هرچه اسباب چیده شود ثمر نمیدهد . شب از شدت غصه دق کردم و به سکنه مبتلا شدم . میان مردم معروف شد که مرا مسموم کرده اند ولی دروغ صرف بود . همان سم حرمان مرا کشت و باعث هلاک من گشت . مختصر عرض کنم در تمام مدت نوکری خیانت به ولی نعمت خود و دولت ایران نکردم بلکه خیال خیانت هم درمخیله ام نگذشت . برحسب ظاهر با مردم با نخوت حرکت مبرکدم اما نه بطوریکه دلها رنجه شود همان قدرهم با نیکی های دیگر تلافی میکردم و در حیات من از من راضی بودند . افسوس که فرزند قابلی نداشتم تا چراغ مرا روشن کند . آنها هم که داشتم همه دوده چراغ بودند . این است اصل و فرع کارمن .

اردشیر که سادگی وضع میرزا محمدخان سپهسالار را پسندیده و در گفتار اوربیبی ندیده بود فرمود آفرین بر تو که بی تکلف سخن گفتی ، جزا که الله خیراً حکمی از پس پرده صادر شد و جمعی از کروبیان تاجی از مرصع با حمایلی از مروارید سر و بر امیر قاجار را به گوهرهای شاهوار آراسته و به اعلی علین و به عرفات بهشت برینش بردند .

هنوز یکسال از فوت ناگهانی میرزا محمدخان سپهسالار نگذشته بود که دست اجل گریبان پسر زیبای شانزده ساله ناصرالدین شاه را گرفت و با شیوع بیماری و با درخراسان سلطان حسین میرزا جلال الدوله چهره در نقاب خاک کشید . مسعود میرزا ظل السلطان این برادر جوان خود را که ناکام از دار دنیا رفت چنین توصیف میکند : « من در عمر خود کمتر جوانی مثل برادرم دیده ام . بسیار بلند بالا و خوش هیكل و خوش صورت بود . زبان فرانسه را بسیار بسیار خوب میدانست و باز مشغول تحصیل بود . با میرزا رضای حکیم باشی ۲ و مارگریت زن او که صحبت میداشت آنها تعجب میکردند که در ایران چگونه این طور تحصیل کرده است . از سواد فارسی و عربی بهره کامل داشت » ۳ اگر مسموم کردن میرزا محمد خان سپهسالار واقعیت داشته باشد باید به مکافات و کیفر الهی معتقد بود و یقین حاصل کرد که جلال الدوله به کفاره گناه پدر جوان مرگ شده است .

۱- خلسه صفحات ۳۴ و ۳۵ ۲- میرزا رضای حکیم باشی علی آبادی پسر میرزا مقیم و ظاهراً همان کسی است که در صفحات ۸۴ و ۹۷ جلد دوم مرآت البلدان جزو معلمین دارالفنون به نام او اشاره شده . ۳- سرگذشت مسعودی ص ۹۱